



اگر می‌خواهید ثروتمند شوید، با ما همراه باشید!

معصومه فراهانی

و زمین را در می‌نوردیدیم. حالا به جای رژه، چند پیشکشوت موسفید می‌نشینند روی صندلی‌هایی کنار هم و یاد ایام جوانی می‌کنند. حالا نام همه گردان‌های حضرت علی اکبر علیه السلام را باید تغییر داد به حبیب ابن مظاهر.

خلاصه اینکه گذشت آن روزها که آدم‌ها به دنبال رشته‌های جدید و پیشرفت علم و تکنولوژی و قوت نظامی بودند. حالا همه خرج و مخارج کشور خلاصه می‌شود در یک کلمه پنج حرفی: سالمند!

در روزگار ما این کلمه یعنی گنج! «سالمند» یعنی خروارها خروار گنج و کلید استفاده کردن از این گنج‌ها در دست ماست! مشاوران شرکت ما به شما کمک خواهند کرد که با توجه به میزان سرمایه و تخصص و علاقه‌مندی‌هایتان در حیطه سالمندان مشغول به کار شوید. با هر میزان سرمایه‌ای که دارید، به شما اطمینان خاطر می‌دهیم با کمک ما می‌توانید آن را چندین و چند برابر کنید.

از تولید کفش و سمعک و عصای مجهز به جی‌پی‌اس که راه خانه را به افراد نشان می‌دهد تا پروژه‌های بزرگی مثل خانه سالمندان، پارک سالمندان، ورزشگاه سالمندان، سینمای سالمندان، رستوران سالمندان مرکز مشاوره و خدمات روان‌درمانی سالمندان، کارگاه‌های بزرگ یا خانگی ساخت دندان مصنوعی، شرکت ساخت تجهیزات شهری متناسب با سالمندان، تأسیس مراکز آموزشی تخصصی پرستاری از سالمندان، کارگاه‌های ساخت و طراحی سریع سنگ قبر در کمترین زمان ممکن و صدها عنوان متنوع شغلی دیگر.

با روند چشمگیر رشد روز به روز سالمندان، باز هم تکرار می‌کنیم که ثروتمند شدن دیگر یک رؤیا نیست!

برایش هزینه می‌کردند. آن موقع‌ها خیلی بازار کارهای مرتبط به کودک داغ بود. پوشک بچه گران و کمیاب شده بود؛ در نمایشگاه کتاب بخش‌های کودک و نوجوان غلغله‌تر از بقیه غرفه‌ها بود. زن‌های باردار برای سونوگرافی شدن باید کلی منتظر می‌نشستند تا نوبتشان شود؛ احتمالاً خیلی‌هایشان مادران ما هم بودند. حالایش را نگاه نکنید که متخصصان کودک توی کلینیک‌هایشان مگس می‌پراندند. اصلاً یادتان هست آن زمان‌ها، جوان‌ها چقدر برای قبول شدن در رشته‌های پزشکی و مهندسی و تربیت معلم، دست و پا می‌زدند؟ حالا اصلاً جوانی نیست که بخواهد برود دانشگاه. پزشک‌های کودک هم به فکر این افتاده‌اند بروند تخصص‌هایی بخوانند که به درد سالمندان بخورد. مثلاً فکری به حال پوکی استخوان و شکستگی‌های پی‌درپی بدن کنند یا خیلی‌هایشان درمان رازها کرده‌اند و رفته‌اند سراغ تولید سمعک و ویلچرو واکرو و توالیت‌فرنگی‌های مخصوص! آن زمان‌ها کلاس داشت که یک نفر مهندسی هوافضا بخواند و ماهواره و موشک بسازد یا روی ژنتیک و انرژی هسته‌ای و این‌جور چیزها کار کند. حالا از دانشمندان پرافتخار آن روزها فقط سالمندانی مانده‌اند که در کلاس‌های چهار نفره دانشگاه سعی می‌کنند آنچه آلزایمر هنوز از حافظه‌شان نگرفته را به ذهن محدود جوانان نسل جدید بسپارند؛ یا آدم‌هایی که در خانه سالمندان دراز کشیده‌اند روی تخت و آرزو می‌کنند جوانکی برای عیادت به آنجا سر بزنند و آن‌ها از خاطرات جوانی‌شان برایش بگویند.

آن موقع‌ها ما روی تقویت قوای نظامی مان هم خیلی کار می‌کردیم. یادتان می‌آید چقدر رژه در تلویزیون می‌دیدیم؟ آسمان

«ثروتمند شدن دیگر رؤیا نیست». از کنار این جمله شبیه باقی جملات تبلیغاتی ساده نگذرید. ما آرزوهای شما را پیش چشمانتان مجسم خواهیم کرد. ما می‌توانیم به شما راهکارهایی ارائه بدهیم که در کمتر از یک سال سرمایه اولیه‌تان بیست الی پنجاه برابر شود. تعجب می‌کنید؟ حق هم دارید اما اگر چند دقیقه‌ای زمان بگذارید و حرف‌های ما را بشنوید، می‌بینید همه چیز کاملاً منطقی است و دیگر از تعجب خبری نیست.

اگر وقتی که این جملات را می‌خوانید در خیابان یا اتوبوس هستید، کافی است نگاهی بیندازید به اطرافتان؛ اگر هم در خانه نشسته‌اید چشم‌هایتان را ببندید و فکر کنید بیشترین گروه سنی‌ای که بیرون از خانه می‌بینید، چه کسانی هستند؟

بله درست است. حتماً شما هم هر روز با پیرمردان و پیرزن‌های سرگردانی که راه خانه را گم کرده‌اند یا یک گوشه خیابان از خستگی نشسته‌اند یا صدای عصاهایشان در گوش شهر جاری است، برخورد داشته‌اید. اصلاً احتمال اینکه خود شما هم یکی از این بزرگواران باشید زیاد است.

حتماً دارید با خودتان فکر می‌کنید که این حرف‌ها چه ربطی به چند برابر شدن سرمایه دارد؟ با ما همراه باشید تا همه چیز برای شما روشن شود!

شاید شما هم یادتان بیاید در ایام کودکی ما سیسمونی فروشی‌ها چقدر شلوغ بود. مردم همیشه دنبال جایی بودند که فرزند دلبندشان را سالم و در رفاه کامل به دنیا بیاورند. مطب متخصصان اطفال شلوغ بود و خب انگار دنگ و فنگ مادر و پدر بودن آن قدر زیاد بود که همه به آوردن یکی، دو تا بچه کفایت می‌کردند؛ اصلاً بچه زیاد، بی‌کلاسی بود. کم می‌آوردند اما حسابی



خطر جدی در کمین آینده

احتمالاً دیدن چنین آگهی‌ای در یک نشریه شما را بسیار بسیار متعجب کند؛ اما حقیقت غیر قابل انکار این است که اگر روند رشد جمعیت در کشور ما شبیه امروز پیش برود، در کمتر از سی سال دیگر آنچه در آگهی صفحه قبل خواندید، می‌شود جزو عادی‌ترین واقعیت‌های جامعه‌ای که در آن زیست می‌کنیم. یک شهر ساکت و کم‌نشاط و خاکستری که شعاع همه‌چیزش را پرگار سالمندان تعیین می‌کند. حالا این ما پدر و مادرها هستیم که تا قبل از بالا رفتن سنمان تعیین می‌کنیم که بگذاریم چنین اتفاقی برای سرزمینمان بیفتد یا خیر!

”

نعمت بزرگ و خطر بزرگ‌تر

وجود انبوه جوانان - میلیون‌ها جوان - در کشوری که این همه ظرفیت کار و تلاش دارد، یک نعمت بزرگی است. سیاستی وجود دارد که این نعمت را از ملت ایران سلب کند؛ نعمت وجود جوانان انبوه و فراوان را. نتیجه این مسئله تحدید نسل، ده سال دیگر، پانزده سال دیگر این خواهد بود که شما دیگر کشور را متراکم از نسل جوان مشاهده نخواهید کرد؛ و اینکه بنده این همه تکرار می‌کنم، تأکید می‌کنم، هشدار می‌دهم، به خاطر این است. بعضی از خطرات و اقدامات خطرناک هست که اثر آن بعد از ده سال، بیست سال ظاهر خواهد شد؛ آن وقتی که دیگر کاری هم نمی‌شود کرد.

* رهبر معظم انقلاب، دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳ آبان ۱۳۹۸.